

"DEATH TO AMERICA" CHANTS OF IRI NEW PARLIAMENT

<http://www.ghandchi.com/336-IRIParliament-plus.htm>

شعار "مرگ بر آمریکا" نمایندگان پارلمان جدید جمهوری اسلامی سام قندچی

من و بسیاری ایرانیان دیگر، شعار مرگ بر آمریکا، که سالهاست رژیم خمینی و طرفدارانش، به نام ایران و ایرانی، در هر کوی و برزن سر میدهند را، محکوم میکنیم. هنوز خون یک آمریکائی بیگناه بنام نیک برگ که اسلامگرایان بطرز فجیعانه ای چند هفته پیش در عراق سر بریدند، خشک نشده است. نمایندگان مجلس هفتم جمهوری اسلامی، در جلسه اول افتتاحیه این مجلس، این شعار جنایتبار آیت الله خمینی را دوباره سر داده اند.

آنها نماینده مردم ایران نیستند و این شعار مردم ایران نیست. مردم ایران خواهان استقلال و درعین حال دوستی با آمریکا هستند. شعار مرگ بر آمریکا، شعار دشمنان مردم ایران است، که باعث خسارات فراوان به ایران و ایرانی، در داخل و خارج کشور، طی این سالها شده است، و نام ایرانی را با گروگانگیر، تروریست و اسلامگرا آغشته کرده است.

این شعار سبعانه، از ابتدای تأسیس جمهوری اسلامی، از طرف رهبران جمهوری اسلامی، در هر نماز جمعه ای تکرار شده است. در واقع پس از گردن زدن نیک برگ، و جنایت هولناک 11 سپتامبر، و قبل از آن فتوای آیت الله خمینی برای قتل سلمان رشیدی برای افکار وی، که امروز حتی نوه او آن فتوا محکوم میکند، ترورهای برومند، بختیار، رهبران کرد، و فروورها، دیگر، معنی این شعار مرکزی اسلامگرایان بر هر کس آشکار است.

در تاریخ، اسلامگرایان اولین نیروئی نیستند که با ظاهر مردمی، چنین برنامه جنایتکارانه ای را به جلو میبرند، جریانات دیگر ایدئولوژیک نظیر کمونیسم شوروی، چین، کامبوج، ویتنام، و اروپای شرقی، جنایات مشابهی را ضد بشریت انجام دادند، و پایان کمونیسم توسط جنبش دموکراسی خواهی در شوروی، به تروریسم کمونیستی در روسیه و اروپا پایان داد. در آینده نیز پایان اسلامگرایی از طریق جنبش دموکراسی خواهی در خاورمیانه، به این تروریسم اسلامی پایان خواهد داد.

در تاریخ معاصر، آنگونه که قبلاً نوشتیم، کمونیسم به همینگونه، در پی نابودی سرمایه داری و رأس آن آمریکا بود. کارل پاپر در "درس هائی از این قرن" در 1997، این موضوع را به خوبی توضیح داده است. پاپر مینویسد که بحث اصلی مارکس در کاپیتال این است که "سرمایه داری نمیتواند اصلاح شود، بلکه فقط میتواند نابود شود، و اینکه اگر کسی خواهان جامعه بهتر است، آن بایستی نابود شود" (ص 19). صرف نظر از تمام اصلاحات سرمایه داری، این پایه تفکر مارکسیسم، تا پایان امپراتوری شوروی، بخشی از ایدئولوژی رهبران شوروی باقی ماند. سپس پاپر بحران 1962 کوبا را ذکر میکند، و دستیابی شوروی به بمب هیدروژنی، که برای اولین بار به شوروی امکان آنرا میدهد که آمریکا را نابود کند.

اما شوروی در بحران کوبا در سال 1962 عقب نشست، و پاپر مینویسد که "شوروی جنگ سرد را در آن نقطه از دست داد، وقتی که کوشش برای نابود کردن آمریکا امکان پذیر شد. آن زمانی بود که تنها ایده باقی مانده رژیم مارکسیستی شکست خورد، و آن آغاز سقوطی بود که به فروپاشی عمومی انجامید." (ص 23) "ولی پس از 1962، آنها کماکان به تولید بمب ادامه دادند، وقتی بخوبی میدانستند که نمیتوانند از آن استفاده کنند. آن نقطه صفر مطلق فکری بود."

در مورد اسلامگرایان ما هنوز در شرایط مشابه 1962 قرار نگرفته ایم، که جمهوری اسلامی یا نیروی اسلامگرایی دیگری توان نابود کردن دنیای غرب را داشته باشد، و در نتیجه پاسخ این سوال که این نیروی واپس گرا، نظیر خروشف، عقب نشینی کند، یا آنکه جهان را نابود کند، هنوز معلوم نیست.

جالب است که کل درک ترسیم غرب به مثابه شیطان، و دیدگاه نابودی غرب، بخش لاینفک شستشوی مغزی مردم شوروی در آمد، نظیر آنچه اسلامگرایان در خاورمیانه در 30 سال گذشته انجام داده اند. گورباچف این پدیده در شوروی را ذکر

میکنند، وقتی او احساس میکند که نیاز به *نرمال* کردن مردم شوروی است. آنچه در زیر میاید ملاحظات پاپر از این آخرین دوره سقوط کمونیسم روسی است.

"تنها با گورباچف است که ما مردی را میبینیم که تشخیص داده است که بایستی پیش فرض بنیادی کل سیاست شوروی را تغییر دهد، که آنها مردمی هستند با مأموریت برای نابودی سرمایه داری یعنی، آمریکا. گورباچف در واقع خود چندین بار به آمریکا آمده بود، و واقعیت را آنجا دیده بود، او میخواست که درک خود از مردم آزاد، که نسبت به روسیه خشونت بار نیست را، نشان دهد، و امیدوار است که روسیه سر عقل آید. و گورباچف حرف مهمی زد وقتی که گفت "من میخوام مردم شوروی را یک مردم نرمال کنم". میبینید که دست آورد گورباچف آن بود که فهمیده بود که مردم شوروی "نرمال" نبودند، در صورتیکه مردم آمریکا بودند. این برخورد واقعاً در آمریکا بسیار متفاوت است، مردم همیشه این بازی وحشتناک را در فکر ندارند"

ملاحظات پاپر در باره شوروی بسیار مهم هستند. کوشش دولت کمونیستی، حزب، و رهبران آن، دهها و دهها سال، ایجاد این نگرش غیر عادی در میان مردم بود، تا که مأموریتی برای نابودی آمریکا همیشه در فکر خود داشته باشند. بنظر من دولت ها، احزاب، و رهبران اسلامگرا نیز، کوشش مشابهی در سه دهه گذشته داشته اند.

طرفداران خمینی در ایران، طالبان در افغانستان، و جریانات اسلامگرای دیگر، با شعار "مرگ بر آمریکا"، برای بیش از 20 سال، هر هفته در نمازهای جمعه در ایران و نقاط دیگر خاورمیانه، سعی در شستشوی مغزی عمومی جامعه برای ایجاد ذهنیتی برای نابودی آمریکا بوده اند.

این دیدگاه است که مسول جنایات 11 سپتامبر، [دنیل پریل](#)، نیک برگ، و دیگران است.

مردم خاورمیانه بیش از صد سال پیش، جنبش هائی نظیر مشروطیت در ایران را بر پا کردند، و [سکولاریسم](#) و قانون مدنی را پشتیبانی کردند. بنیادگرائی اسلامی کنونی در ایران، بیان واقعیت تفکر مردم ایران نیست، بلکه نظیر فاشیسم نازی، یک حرکت بسوی گذشته است، و گرچه هم فاشیسم نازی و هم اسلامگرائی، جنبش های مذهبی بوده و هستند، اما اصل اندیشه آنها در ضدیت شان با دموکراسی غرب و سکولاریسم خلاصه میشود، و هیچ نیاز باصطلاح "تاریخی" برای حکومت اسلامی در آن جوامع نیست، چه نوع فاشیستی و چه باصطلاح [دموکراسی اسلامی](#).

شعار مرگ بر آمریکای مجلس هفتم جمهوری اسلامی، یعنی مجلسی که حتی از ورود اصلاح طلبان رژیم نیز ممانعت کرده است، نشان میدهد که اسلامگرایان تا نابودی دموکراسی غرب از پا نخواهند نشست، و راه حل سقوط این جمهوری های اسلامی، نظیر سقوط شوروی قبل از آنهاست، و یعنی بدست جنبش دموکراسی خواهی خود مردم ایران، تا که هرگونه اسلامگرایان هرگونه حقانیت مردمی برای خود را برای همیشه از دست بدهند، و این جریان واپس گرا، که در برابر تحول جهانی فرآصنعتی سر برآورده است، پایان یابد.

اولین گام نیز همانگونه که گورباچف گفت، *عادی* کردن مردم است، از طریق متوقف کردن این شعار "مرگ بر آمریکا" و دیدگاه ضد دموکراسی غرب. متأسفانه [اصلاح طلبان](#) رژیم جمهوری اسلامی چه در مجلس ششم و چه دولت آقای خاتمی، حتی این حد اقل را نیز طی این همه سال نتوانستند بر آورده کنند.

خود مردم ایران و نیروهای دموکراسی خواه خارج حکومت به این مهم پرداختند، و امروز اکثریت قریب به اتفاق مردم ایران، این شعار جنایت بار، که اسلامگرایان به نام ما میدهند را، محکوم میکنند، و رژیم با سرنیزه جلوی بیان آشکار مخالفت مردم با این شعار در خیابان هاست..

تکرار شعار "مرگ بر آمریکا" توسط نمایندگان مجلس، فقط کمک بنابودی ایرانیانی است که خواهان روابط حسنه با همه جهان هستند. ایرانیانی که خواهان پایان جمهوری اسلامی هستند. رژیمی که برای ما گروگان گیری، و جنایات دیگر اسلامگرایان واپس گرا را، طی 25 سال گذشته، به ارمغان آورده است.

به امید جمهوری آینده نگر، فدرال، دموکراتیک، و سکولار در ایران

سام قندچی، ناشر و سردبیر
ایرانسکوپ

<http://www.iranscope.com>

7 خرداد 1383

2004, 7May 2

متن بزبان انگلیسی

<http://www.ghandchi.com/336-IRIParliamentEng.htm>

مقالات دیگر مربوط به موضوع

<http://www.ghandchi.com/index-Page4.html>

مقالات تئوریک

<http://www.ghandchi.com>

فهرست مقالات

<http://www.ghandchi.com/SelectedArticles.html>